روی خط خبر

کسری ۳۵ میلیون اونس نقره

برآورد جدید مؤسسه متالز فوکوس نشان می‌دهد بازار جهانی نقره در سال ۲۰۲۶ با کسری عرضه ۳۵ میلیون اونسی برای ششمین سال متوالی مواجه خواهد شد. در حالی که افزایش قیمت‌ها موجب کاهش تقاضا در بخش جواهرات، ظروف نقره و پنل‌های خورشیدی شده، توسعه خودروهای برقی و زیرساخت‌های شارژ از تقاضای صنعتی حمایت می‌کند. همچنین کاهش تولید معدنی در برخی کشورهای تولیدکننده و افزایش بازیافت، از مهم‌ترین تحولات سمت عرضه این بازار خواهند بود.

موسسه مشاوره و تحقیقات فلزات گران‌بها متالز فوکوس (Metals Focus) پیش‌بینی کرده است که بازار جهانی نقره در سال ۲۰۲۶ برای ششمین سال متوالی با کسری عرضه مواجه شود و میزان تقاضا حدود ۳۵ میلیون اونس از عرضه فراتر رود. انتظار می‌رود تقاضای صنعتی نقره در بخش‌هایی خارج از صنعت فتوولتائیک (Photovoltaics) در سال جاری ۴.۵ درصد افزایش یابد و تا حدی کاهش مصرف در سلول‌های خورشیدی را جبران کند. در بخش خورشیدی، افزایش قیمت نقره موجب تسریع روند کاهش مصرف این فلز در هر واحد محصول و جایگزینی آن با مواد دیگر شده است.

طبق این گزارش پیش‌بینی می‌شود مجموع تقاضای نقره در سال ۲۰۲۶ با کاهش ۵ درصدی نسبت به سال قبل به یک میلیارد و ۸۰ میلیون اونس برسد؛ زیرا افزایش قیمت‌ها بر خرید جواهرات و ظروف نقره نیز تأثیر منفی گذاشته است. انتظار می‌رود تقاضای صنعتی به ۶۴۰ میلیون اونس برسد که با وجود کاهش ۳ درصدی در سال جاری، حدود ۲۲ درصد بیشتر از سطح ثبت‌شده در سال ۲۰۱۹ خواهد بود. همچنین پیش‌بینی می‌شود تولید معدنی تقریباً بدون تغییر باقی بماند، در حالی که بازیافت نقره با رشد ۶ درصدی همراه شود.

این موارد از مهم‌ترین یافته‌هایی هستند که فیلیپ نیومن (Philip Newman)، مدیرعامل مؤسسه متالز فوکوس (MetalsFocus)، وسارا تاملینسون (SarahTomlinson)، مدیر بخش عرضه معدنی، در جریان ضیافت سالانه صنعت نقره مؤسسه نقره (Silver Institute) در نیویورک ارائه کردند. این نشست که شامگاه جاری برگزار شد، به بررسی برآوردهای عرضه و تقاضای نقره در سال ۲۰۲۶ اختصاص داشت. در ادامه، مهم‌ترین محورهای ارائه‌شده در این نشست آمده است: قیمت نقره در ۲۶ ژانویه تحت تأثیر تقاضای قوی سرمایه‌گذاری و محدودیت نقدشوندگی فیزیکی در بازار لندن، به رکورد تاریخی ۱۲۱.۶۵ دلار به‌ازای هر اونس رسید. بااین‌حال، قیمت این فلز تا ۴ نوامبر به ۵۲ دلار به‌ازای هر اونس کاهش یافت که نشان‌دهنده افت ۲۷ درصدی از ابتدای سال است. تغییر انتظارات درباره نرخ بهره آمریکا، تقویت دلار و افزایش بازده اوراق قرضه، در تمام بازار فلزات گران‌بها بر تمایل سرمایه‌گذاران تأثیر منفی گذاشت. نسبت قیمت طلا به نقره (Gold-to-Silver Ratio) نیز در ژانویه به عدد ۴۳ رسید که پایین‌ترین سطح از سال ۲۰۱۱ بود، اما تا اوایل نوامبر دوباره به محدوده بالای ۷۰ بازگشت. انتظار می‌رود تقاضای صنعتی نقره، بدون احتساب بخش فتوولتائیک، در سال ۲۰۲۶ با رشد ۴.۵ درصدی به ۴۹۲ میلیون اونس برسد. تقاضا در صنعت خودرو همچنان از ثبات نسبی برخوردار است و توسعه خودروهای برقی و گسترش زیرساخت‌های شارژ از آن حمایت می‌کنند. همچنین پیش‌بینی می‌شود تقاضا برای آلیاژهای لحیم‌کاری سخت و مواد لحیم‌کاری نرم اندکی افزایش یابد. در بخش فتوولتائیک، میزان نصب پنل‌های خورشیدی به‌ویژه در چین کمتر از انتظارات بوده و رکوردشکنی قیمت نقره نیز روند کاهش مصرف و جایگزینی این فلز را سرعت بخشیده است. با وجود این شرایط، پیش‌بینی می‌شود مجموع تقاضای صنعتی نقره به چهارمین سطح بالای خود در مجموعه داده‌های متالز فوکوس برسد. پیش‌بینی می‌شود تقاضا برای شمش و سکه نقره در سال ۲۰۲۶ به ۲۱۵ میلیون اونس برسد که نسبت به سال قبل ۲ درصد کاهش دارد، اما همچنان حدود ۱۳ درصد بالاتر از سال ۲۰۲۴ است. سرمایه‌گذاری خرده‌فروشی بسیار قوی در اواخر سال ۲۰۲۵ و اوایل سال ۲۰۲۶، از ماه مارس و هم‌زمان با تضعیف قیمت نقره جای خود را به خریدهای بسیار محدودتری داده است. انتظار می‌رود سرمایه‌گذاری خرده‌فروشی در آمریکا به پایین‌ترین سطح از سال ۲۰۱۰ برسد. همچنین پیش‌بینی می‌شود تقاضای هند در مجموع سال ۱۰ درصد کاهش یابد؛ هرچند از ژوئن به بعد، با تثبیت نسبی قیمت‌ها و افزایش نگرانی‌ها درباره دسترسی به نقره در پی محدودیت‌های وارداتی، نشانه‌هایی از بهبود محدود تقاضا مشاهده شده است. انتظار می‌رود عرضه نقره از معادن با کاهش ۰.۵ درصدی به ۸۳۴ میلیون اونس برسد؛ زیرا افت تولید در پرو، چین و آرژانتین، افزایش تولید در مکزیک، روسیه و مراکش را خنثی می‌کند. در همین حال، پیش‌بینی می‌شود تولید معادن اولیه نقره در سال ۲۰۲۶ با افزایش ۶.۵ میلیون اونس به ۲۳۳ میلیون اونس برسد. تولید نقره مکزیک نیز با رشد ۶.۶ میلیون اونس به ۱۷۴ میلیون اونس افزایش خواهد یافت. بهبود عیار سنگ معدن و نرخ بازیابی در معدن پنیاسکیتو (Peñasquito)، از سرگیری فعالیت معدن تیزاپا (Tizapa) و نخستین سال کامل فعالیت تجاری معدن ترونرا (Terronera)، از عوامل مؤثر بر این افزایش هستند.

در بخش هزینه‌ها، میانگین هزینه‌های پایدار کل (All-in Sustaining Costs یا AISC) معادن اولیه نقره در نیمه نخست سال ۲۰۲۶ با جهش ۴۷ درصدی به ۱۶.۲۷ دلار به‌ازای هر اونس رسید. کاهش عیار سنگ معدن، افزایش هزینه نهاده‌های تولید، حق امتیازهای دولتی و مخارج سرمایه‌ای موردنیاز برای حفظ ظرفیت تولید، از عوامل این افزایش بودند. بااین‌حال، رشد قابل توجه قیمت نقره در نیمه نخست سال موجب شد حاشیه سود این معادن با افزایش ۱۸۷ درصدی به ۶۲.۱۹ دلار به‌ازای هر اونس برسد. پیش‌بینی می‌شود بازیافت نقره در سال ۲۰۲۶ با رشد ۶ درصدی به ۲۱۰ میلیون اونس برسد که بالاترین میزان از سال ۲۰۱۲ خواهد بود. افزایش عرضه قراضه صنعتی که عمدتاً ناشی از عوامل ساختاری است، مهم‌ترین عامل رشد بازیافت محسوب می‌شود. همچنین انتظار می‌رود بازیافت جواهرات نقره، به‌ویژه در چین، هند و ترکیه افزایش یابد؛ زیرا بالا بودن قیمت‌ها انگیزه فروش محصولات نقره را تقویت کرده است. در مجموع، پیش‌بینی می‌شود بازار جهانی نقره در سال ۲۰۲۶ با کسری عرضه ۳۵ میلیون اونس مواجه شود و مجموع کسری انباشته این بازار در فاصله سال‌های ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۶ به حدود ۷۴۶ میلیون اونس برسد. بااین‌حال، کاهش میزان کسری عرضه و ورود بخشی از فلز موجود در بازار از طریق فروش دارایی‌های صندوق‌های قابل معامله در بورس، به کاهش محدودیت عرضه فیزیکی نقره کمک کرده است.

صدمت از بازگشت استراتژی توسعه و بزرگ‌سازی در صنعت معدن جهان گزارش می‌دهد؛

کیمیاگری محال

صنعت فولاد بریتانیا در تقاطع بحران‌های ساختاری، رقابت جهانی و تصمیم‌های پرهزینه سیاسی قرار گرفته است. کاهش ظرفیت تولید، انرژی گران، فشار فولاد ارزان چین و تنش‌های تجاری با اتحادیه اروپا، آینده یکی از صنایع قدیمی این کشور را با ابهام مواجه کرده است. در حالی که گذار به کوره‌های قوس الکتریکی و استفاده از قراضه می‌تواند مسیر تازه‌ای برای نوسازی و کاهش آلایندگی باز کند، حمایت‌های مالی گسترده دولت نیز پرسش‌هایی درباره توجیه اقتصادی احیای ظرفیت‌های سنتی مطرح کرده است. صدمت در این گزارش، چالش‌های رقابت‌پذیری فولاد بریتانیا و تناقض میان ضرورت نوسازی صنعتی و هزینه حفظ میراث فولادسازی را بررسی می‌کند.



گروه معدن
editor@smtnews.ir

پورت‌تالبوت؛ نماد صنعتی که در گذشته جا مانده است

صنعت فولاد بریتانیا زیر فشار دامپینگ چین و انرژی گران رو به زوال است. وضع تعرفه‌های متقابل با اتحادیه اروپا خطایی پرهزینه برای صنایع تکمیلی به‌شمار می‌رود. گذار به کوره‌های قوس الکتریکی قراضه‌محور راهکاری پایدار است، اما لندن با تزریق یارانه‌های میلیاردی، منطق اقتصادی را قربانی منافع حزبی و زنده نگه‌داشتن نوستالژی صنعتی می‌کند.

کمتر تصویری در جغرافیای تولید مدرن می‌تواند به‌اندازه کارخانه نورد گرم «تاتا استیل» در پورت‌تالبوت، حسی از نوستالژی سنگین صنعتی را تداعی کند. در این گوشه از جنوب ولز، شمش‌های گداخته و سرخ از دل خطوط نورد طویلی عبور می‌کنند که بازمانده دهه ۱۹۵۰ میلادی‌اند؛ سازه‌هایی خسته که محصول نهایی‌شان هنوز با واگن‌های باری قدیمی به مقاصد مبهم ریل‌گذاری می‌شوند. در حاشیه همین تاسیسات دودگرفته، جرثقیل‌ها مشغول برپایی کوره‌های قوس الکتریکی (EAF) مدرن هستند تا کارخانه را به استانداردهای رقابت معاصر برسانند. این جغرافیا، تمثیلی دقیق از پارادوکس بازصنعت‌سازی است؛ ایده‌ای بلندپروازانه که سیاستمداران وست‌مینستر مکرراً در ستایش آن داد سخن می‌دهند، بی‌آنکه مختصات واقعی اقتصاد جهانی را به یاد آورند.

واقعیت روی زمین اما سرسخت‌تر از شعارهای سیاسی است. پولاد بریتانیا نیم‌قرن است که مسیری قهقرایی را می‌پیماید. ظرفیت تولید سالانه فولاد خام این کشور از قله ۳۰ میلیون تنی در اوایل دهه ۱۹۷۰ به کمتر از ۳ میلیون تن سقوط کرده و ارتش ۳۲۰ هزار نفری کارگران فولاد اکنون به کادر کوچکی حدود ۳۰ هزار نفر آب رفته است. بخشی از این زوال ناشی از هزینه‌های سرسام‌آور انرژی در جزیره است، اما عامل اصلی را باید در شرق آسیا جست‌وجو کرد. چین سالانه بیش از یک میلیارد تن فولاد تولید می‌کند؛ یعنی نیمی از عرضه جهان. وقتی غول چینی با مازاد ظرفیت روبه‌رو می‌شود، سیلاب محصولات یارانه‌ای خود را با بهایی کمتر از بهای تمام‌شده روانه بنادر خارجی می‌کند.

▣ دامپینگ چین و فرسایش قدرت رقابتی فولاد بریتانیا

مازاد ظرفیت فولاد چین، یکی از مهم‌ترین چالش‌های ساختاری بازار جهانی محسوب می‌شود. تولیدکنندگان در کشورهایی که از هزینه‌های بالای انرژی، نیروی کار و سرمایه برخوردارند، ناگزیرند با محصولاتی رقابت کنند که در برخی موارد از مزیت‌های ناشی از مقیاس تولید، حمایت‌های دولتی و هزینه‌های پایین‌تر برخوردار هستند.

این شرایط، حاشیه سود فولادسازان بریتانیایی را محدود کرده و امکان برنامه‌ریزی برای سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت را کاهش می‌دهد.

فشار رقابت صرفا به قیمت فروش محدود نیست. کارخانه‌های فولاد برای ادامه فعالیت به سرمایه‌گذاری مستمر در نگهداری تجهیزات، بهبود کیفیت محصول، افزایش بهره‌وری و کاهش مصرف انرژی نیاز دارند. زمانی که قیمت بازار پایین می‌ماند و هزینه‌های عملیاتی افزایش پیدا می‌کند، شرکت‌ها با دو انتخاب دشوار مواجه می‌شوند: کاهش هزینه‌ها و عقب انداختن سرمایه‌گذاری‌های ضروری یا پذیرش زیان برای حفظ سهم بازار. هر دو مسیر می‌توانند در بلندمدت به تضعیف ظرفیت تولید داخلی منجر شوند.

در چنین شرایطی، کاهش ظرفیت فولاد بریتانیا صرفا به معنای کوچک شدن یک صنعت قدیمی نیست؛ بلکه می‌تواند پیامدهایی گسترده‌تر برای زنجیره تولید کشور داشته باشد. دسترسی به فولاد داخلی، برای صنایع ماشین‌سازی، ساختمان، حمل‌ونقل، تجهیزات انرژی و تولید کالاهای صنعتی اهمیت دارد. هرچه وابستگی به واردات بیشتر شود، این صنایع نیز در معرض تغییرات قیمت جهانی، هزینه حمل‌ونقل و اختلال در مسیرهای تجاری قرار خواهند گرفت.

تعرفه‌ها؛ سپر حمایتی یا مانع توسعه صنایع پایین‌دستی؟

در نظام تجارت بین‌الملل، اثبات دامپینگ در راهروهای پیچیده سازمان تجارت جهانی روندی فرسایشی و گاه ناکارآمد است. در نتیجه، پایتخت‌ها به ابزارهای دم‌دستی‌تر یعنی دیوارهای تعرفه‌ای و سهمیه‌بندی پناه برده‌اند. مسیری که دونالد ترامپ در سال ۲۰۱۸ با تعرفه‌های تنبیهی هموار کرد، اکنون به الگوی استاندارد لندن و بروکسل بدل شده است. در تابستان امسال، هر دو طرف سهمیه واردات معاف از عوارض را نصف کرده و تعرفه‌های مازاد را تا سطح کم‌سابقه ۵۰ درصد بالا بردند.

شگفتی ماجرا در پیامدهای ناخواسته این سنگربندی تجاری است. لندن و بروکسل به‌جای همگرایی، تعرفه‌های تازه را علیه یکدیگر نیز فعال کرده‌اند؛ رویکردی که تحلیل‌گران دانشگاهی آن را چیزی شبیه به «جنون اقتصادی» توصیف می‌کنند. آسیب این اصطکاک برای فولادسازان بریتانیایی مهلک‌تر است، چرا که بیش از ۷۰ درصد از سبد صادراتی‌شان راهی بازار قاره می‌شود. از سوی دیگر، حصارهای گمرکی قادر به مهار مازاد ظرفیت جهانی فولاد نخواهند بود. بازنده نهایی این بازی، صنایع تکمیلی و مصرف‌کنندگان نهایی فولاد هستند؛ زنجیره‌ای از صنایع خودروسازی و ماشین‌سازی که شمار کارکنانشان ده برابر کارخانه‌های ذوب است و اکنون باید بهای گزاف‌تری برای نهاده‌های اولیه بپردازند، بی‌آنکه بتوانند کیفیت مورد نیاز را از تولیدکنندگان محدود داخلی دریافت کنند. افزایش تعرفه‌ها در ظاهر می‌تواند فرصتی برای حمایت از تولیدکنندگان داخلی فراهم کند، اما در عمل، هزینه آن تنها بر دوش واردکنندگان یا فولادسازان باقی نمی‌ماند. صنایع مصرف‌کننده فولاد نیز با افزایش قیمت مواد اولیه مواجه می‌شوند و این هزینه می‌تواند به قیمت تمام‌شده محصولات نهایی منتقل شود. در نتیجه، سیاستی که با هدف حمایت از صنعت فولاد طراحی شده است، ممکن است در بخش‌های دیگر اقتصاد به کاهش قدرت رقابت، افزایش قیمت محصولات و محدود شدن بازارهای صادراتی منجر شود. این مسئله برای بریتانیا اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا بخش قابل توجهی از فعالیت صنعتی این کشور به واردات مواد اولیه و صادرات محصولات تولیدی وابسته است. اگر فولاد گران‌تر به معنای افزایش هزینه تولید خودرو، ماشین‌آلات، تجهیزات و سازه‌های صنعتی باشد، حمایت تعرفه‌ای از یک حلقه زنجیره تولید می‌تواند به فشار بر حلقه‌های دیگر تبدیل شود. در چنین شرایطی، سیاست تجاری باید نه‌تنها وضعیت فولادسازان، بلکه آثار آن بر کل زنجیره ارزش صنعتی را در نظر بگیرد.

منطق حکم می‌کند که بریتانیا و اتحادیه اروپا به‌جای آتش‌باری متقابل، به یک بازتنظیم ساختاری تن دهند. همان‌طور که پی‌ریزی تجارت آزاد در بخش کشاورزی در دستور کار پسابرگزیت قرار دارد، ایجاد یک منطقه همگن تجارت فولاد سبز نیز می‌تواند منافع دو سوی کانال مانش را تضمین کند.

▣ فولاد سبز؛ فرصت نوسازی یا هزینه‌ای تازه؟

تحول به سمت فولاد کم‌کربن در شرایطی دنبال می‌شود که تولیدکنندگان با فشار همزمان هزینه انرژی، رقابت وارداتی و نیاز به نوسازی فناوری مواجه‌اند. تغییر تجهیزات و روش تولید، به‌ویژه در صنعتی که دارایی‌های آن عمر طولانی دارند و سرمایه‌گذاری اولیه سنگینی می‌طلبد، به تصمیمی پیچیده تبدیل شده است. فولادسازان باید میان حفظ تولید جاری، کاهش انتشار کربن و سرمایه‌گذاری در فناوری‌های جدید توازن برقرار کنند. در این میان، کوره‌های قوس الکتریکی می‌توانند بخشی از راه‌حل باشند، اما مزایای آنها به شرایط تامین انرژی و مواد اولیه وابسته است. اگر برق با قیمت بالا در دسترس باشد، هزینه تولید فولاد در کوره‌های قوس الکتریکی نیز ممکن است افزایش یابد. به همین دلیل، برقی‌سازی صنعت فولاد بدون اصلاح ساختار بازار انرژی، توسعه ظرفیت برق و دسترسی به منابع رقابتی، لزوما به مزیت اقتصادی منجر نمی‌شود.

تحقق این سناریو برای بریتانیا حیاتی‌تر است؛ به‌ویژه اکنون که آخرین کوره‌های بلند سنتی در اسکانتورپ نفس‌های آخر را می‌کشند

همچنین، کیفیت قراضه اهمیت زیادی دارد. فولادسازان برای تولید محصولات مختلف به ترکیب شیمیایی مشخص و کیفیت پایدار مواد اولیه نیازمندند. بنابراین، افزایش استفاده از قراضه باید همراه با توسعه سیستم جمع‌آوری، تفکیک، آماده‌سازی و فرآوری آن باشد. قراضه با کیفیت پایین یا دارای ناخالصی‌های کنترل‌نشده می‌تواند محدودیت‌هایی در تولید فولادهای خاص ایجاد کند؛ موضوعی که اهمیت مدیریت زنجیره بازیافت را در کنار توسعه فناوری ذوب افزایش می‌دهد.

▣ کوره‌های قوس الکتریکی؛ مسیر متفاوت امنیت صنعتی

تحقق این سناریو برای بریتانیا حیاتی‌تر است؛ به‌ویژه اکنون که آخرین کوره‌های بلند سنتی در اسکانتورپ نفس‌های آخر را می‌کشند. مدافعان نوسازی صنعتی استدلال می‌کنند که آینده بریتانیا در کوره‌های قوس الکتریکی نهفته است؛ فناوری کم‌کربنی که ماده اولیه آن قراضه است، نه چدن مذاب حاصل از کک و سنگ‌آهن. بریتانیا سالانه با مازاد چشمگیر بیش از ۱۰ میلیون تن قراضه روبه‌روست و بهره‌گیری از این ذخیره می‌تواند بهره‌وری را دگرگون کند. سنت‌گرایان هشدار می‌دهند که حذف کامل کوره‌های بلند، بریتانیا را به تنها عضو گروه هفت بدل می‌کند که توان تولید فولاد بکر را از دست داده و امنیت ملی‌اش تضعیف می‌شود. اما این برهان در دنیای پیوسته امروز پایه‌های سستی دارد؛ چرا که کوره‌های سنتی نیز سوخت و سنگ‌آهن خود را نه از معادن داخلی، بلکه با کشتی‌های باربری از بنادر دوردست استرالیا و برزیل وارد می‌کردند. با فناوری‌های نو در بازیافت فلزات، فولاد ثانویه نیز می‌تواند همان ویژگی‌های فنی فولاد بکر را بدون آلایندگی سنگین تامین کند.

در واقع، مفهوم امنیت صنعتی را نمی‌توان تنها با حفظ یک فناوری قدیمی تعریف کرد. امنیت زمانی معنا پیدا می‌کند که کشور بتواند مواد اولیه، انرژی، فناوری، نیروی انسانی متخصص و ظرفیت تولید مورد نیاز صنایع خود را در شرایط عادی و بحرانی تامین کند. حفظ کوره بلند به‌تنهایی تضمین‌کننده این امنیت نیست؛ همان‌طور که اتکا به قراضه نیز بدون توسعه ظرفیت تولید و فرآوری آن نمی‌تواند تمام نیازهای بازار را پوشش دهد.

یکی از چالش‌های اصلی در این مسیر، تعیین ترکیب مناسب فناوری‌های تولید فولاد است. کوره‌های قوس الکتریکی در صورت دسترسی به قراضه مرغوب و برق رقابتی، امکان کاهش انتشار و انعطاف‌پذیری بیشتر تولید را فراهم می‌کنند. در مقابل، برخی محصولات با مشخصات فنی خاص ممکن است به مواد اولیه یا فرآیندهایی نیاز داشته باشند که جایگزینی آنها به‌سرعت امکان‌پذیر نیست. بنابراین، سیاست نوسازی فولاد باید بر ارزیابی دقیق نیازهای بازار، کیفیت محصولات، ظرفیت بازیافت و هزینه‌های واقعی تولید استوار باشد.

▣ یارانه‌های میلیاردی و بازگشت نوستالژی صنعتی

با این حال، در وست‌مینستر ملاحظات صندوق‌های رای بر محاسبات اقتصادی می‌چربد. دولت در چارچوب سند استراتژی ملی، تا سقف ۲.۵ میلیارد پوند از منابع صندوق ثروت ملی را برای تزریق یارانه به شرکت‌هایی نظیر «بریتیش استیل» و «تاتا» تخصیص داده است؛ تزریق سرمایه‌ای هنگفت به پیکره صنعتی که دیگر بخش ناچیزی از کیک اقتصاد ملی را تشکیل می‌دهد. فولاد در بریتانیا تنها یک کالا نیست؛ نمادی هویتی با ریشه‌های عمیق در جنبش‌های کارگری و مهد حزب حاکم است. شاید از منظر حسابداری خرد و قواعد بهره‌وری، دوران ابرقدرتی فولاد بریتانیا دهه‌ها پیش سپری شده باشد، اما بازی‌های سیاسی مانع از آن است که این کالبد قدیمی اجازه خاموشی بیابد. تا اطلاع ثانوی، مالیات‌دهندگان بریتانیایی هزینه روشن ماندن چراغ نوستالژی را پرداخت خواهند کرد.

با این حال، تزریق منابع عمومی به صنعت فولاد را نمی‌توان صرفا با معیار زیان‌دهی کوتاه‌مدت یا سهم آن از تولید ناخالص داخلی ارزیابی کرد. فولاد همچنان یکی از مواد پایه در توسعه زیرساخت‌ها، صنایع دفاعی، شبکه انرژی، حمل‌ونقل و ساخت‌وساز است و از دست رفتن ظرفیت تولید آن می‌تواند هزینه‌های وابستگی خارجی را افزایش دهد. مسئله اصلی، نحوه تخصیص این منابع و میزان اثربخشی آنها در ایجاد ظرفیت رقابتی پایدار است. یارانه‌ها زمانی می‌توانند به ابزار توسعه صنعتی تبدیل شوند که در کنار حمایت مالی، اهداف مشخصی برای بهره‌وری، کاهش هزینه‌ها، نوسازی فناوری، حفظ مهارت‌های نیروی کار و افزایش کیفیت تولید تعریف شده باشد. در غیر این صورت، حمایت‌های دولتی ممکن است به سازوکاری برای پوشش زیان‌های مستمر تبدیل شود؛ بدون آنکه ساختار اقتصادی کارخانه‌ها را اصلاح کند یا توان آنها را برای رقابت در بازارهای جهانی افزایش دهد.

▣ آینده فولاد بریتانیا؛ میان اقتصاد و سیاست

صنعت فولاد بریتانیا اکنون در نقطه‌ای قرار دارد که تصمیم‌های امروز می‌توانند مسیر چند دهه آینده آن را تعیین کنند. کاهش ظرفیت تولید، هزینه بالای انرژی، رقابت وارداتی و تغییر فناوری، مجموعه‌ای از فشارهای همزمان را بر این صنعت وارد کرده‌اند. در چنین شرایطی، بازسازی فولاد بریتانیا تنها با حفظ کارخانه‌های موجود یا افزایش تعرفه‌ها امکان‌پذیر نخواهد بود. بازتعریف مزیت رقابتی این صنعت نیازمند مجموعه‌ای از سیاست‌های هماهنگ است؛ از اصلاح بازار برق و توسعه زیرساخت‌های انرژی گرفته تا سرمایه‌گذاری در بازیافت، تامین قراضه مرغوب، فناوری‌های کم‌کربن و ایجاد روابط تجاری پایدار با بازارهای اروپایی. همچنین، حمایت از نیروی کار و انتقال مهارت‌ها باید در مرکز برنامه نوسازی قرار گیرد؛ زیرا تغییر فناوری بدون آماده‌سازی نیروی انسانی می‌تواند هزینه‌های اجتماعی و اقتصادی قابل‌توجهی ایجاد کند. در نهایت، فولاد بریتانیا میان دو مسیر قرار گرفته است: حفظ ظرفیت‌های گذشته با اتکا به حمایت‌های دولتی یا بازسازی ساختار تولید بر مبنای فناوری، بهره‌وری و شرایط واقعی بازار. آنچه می‌تواند آینده این صنعت را تعیین کند، نه میزان سرمایه تزریق‌شده، بلکه توان تبدیل این سرمایه به ظرفیت رقابتی، تولید پایدار و کاهش وابستگی‌های آسیب‌پذیر خواهد بود. اگر نوسازی صرفا به پروژه‌ای سیاسی برای حفظ نمادهای صنعتی تبدیل شود، هزینه آن ممکن است سال‌ها بر دوش اقتصاد باقی بماند؛ اما اگر با اصلاحات ساختاری همراه شود، حتی صنعتی که دهه‌ها در مسیر افول بوده است، می‌تواند فرصت تازه‌ای برای بازتعریف جایگاه خود پیدا کند.

سخن پایانی

صنعت فولاد بریتانیا بیش از آنکه با کمبود حمایت دولتی مواجه باشد، با چالش بازتعریف مدل اقتصادی و مزیت رقابتی خود روبه‌روست. تزریق منابع مالی و اعمال تعرفه شاید بتواند در کوتاه‌مدت از شدت فشار بر تولیدکنندگان بکاهد، اما بدون اصلاح هزینه انرژی، نوسازی فناوری، توسعه زنجیره قراضه و بهبود روابط تجاری با اروپا، تضمینی برای بازگشت قدرت صنعتی این کشور نخواهد بود. فولادسازی در اقتصاد امروز دیگر با تکیه بر ظرفیت‌های تاریخی و حمایت‌های مالی دوام نمی‌آورد؛ بلکه به بهره‌وری، دسترسی رقابتی به انرژی، فناوری‌های کم‌کربن و بازارهای پایدار نیاز دارد.

بریتانیا اکنون باید میان حفظ گذشته و ساختن آینده صنعتی خود تصمیم بگیرد؛ آینده‌ای که نه با احیای صرف کارخانه‌های قدیمی، بلکه با تبدیل سرمایه‌گذاری به توان واقعی تولید، اشتغال پایدار و رقابت‌پذیری رقم خواهد خورد.